Journal of Spiritual Health
2022, Volume 1, Issue 1
Pages: 60-69
10.30491/JSH.1.1.60

Martyr Soleimani as Symbol of Islamic Spiritual Health

Mohamadjavad Roodgar [1*]

[1] *Department of Mysticism, Institute of Islamic Culture and Thought, Qom, Iran*

Abstract

Islamic spirituality in the field of insight-attitude and ontological perspective is based on belief in the unseen world. It is based on the "principle of nature" with higher tendencies and an existential relationship with God in the discipline of inclination-temperamental and anthropological perspectives. Islamic spirituality in the specialization of action-method and theological perspective relies on the Shari'a of Muhammad (PBUH), which is a scholastic-professional spirituality. Spiritual health, in comparison with Islamic spirituality, includes three areas: Insight: health from Doubt and polytheism in the belief; Trend: health from the lust for fame, power, and wealth in the moral and values systems; and action: health from error actions in the practical and behavioral systems. The life of martyr Soleimani is the manifestation of spiritual health with areas (transverse) and levels (longitudinal) that have transformed the commander-in-chief into a model and symbol. The path of his enlightened life is the goal of all those who are thirsty for spirituality, spiritual health, and enthusiasts. Due to the pure Islamic spirituality, the commander-in-chief enjoyed a healthy soul, heart, body, and social health in various fields. Thus, he is a pattern of spiritual health for all guilds and social classes and an example of a systematic spiritually healthy human. The results of this article, which was written in a descriptive-analytical method, demonstrated three areas of insight, trend, and action health by mentioning examples of commander-in-chief Soleimani's life.

Keywords: Islamic spirituality, Spirituality health, Health pattern, Commander-in-chief Soleimani, Symbol.

*Corresponding author: **Mohamadjavad Roodgar**, Email: dr.mjr345@yahoo.com

Received: 2 November 2021 **Accepted:** 2 March 2022

[Downloaded from spiritual-health.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.30491/JSH.1.1.60]

مجله سلامت معنوی
دوره ۱، شماره ۱، تیر ۱۴۰۱
صفحات: ۶۹-۶۰
10.30491/JSH.1.1.60

شهید سلیمانی الگوی سلامت معنوی اسلامی

محمدجواد رودگر[۱*]

[۱] *گروه عرفان، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم، ایران*

چکیده

معنویت اسلامی، معنویتی است که در ساحتِ بینشی-نگرشی و منظر هستی شناختی مبتنی بر اعتقاد به عالمِ غیب و غیبِ عالم، در ساحتِ گرایشی-منشی و منظر انسان شناختی متقوم بر"اصلِ فطرت" با گرایش‌های عالی و ارتباط وجودی با خدا و در ساحتِ کنشی-روشی و منظر دین شناختی متکی بر "شریعت حقه محمدی (ص)" است که درواقع معنویتِ مکتبی-مسلکی هست و سلامت معنوی، در تناظر با ساحات معنویت اسلامی، در ساحت‌های سه گانه، بینشی: سلامت از شک و شرکِ درنظام اعتقادی و باورها؛ گرایشی: سلامت از شهوتِ شهرت، قدرت و ثروت در نظام اخلاقی و ارزش‌ها؛ و کنشی: سلامت از خبط و خطای کرداری در نظام عملی و رفتارها است. زندگی شهید سردار سلیمانی تجلیگاه سلامت معنوی با ساحات (عرضی) و سطوح (طولی) است که سردار را تبدیل به "اُسوه" و " اُلگو" کرده و سیر و سیره حیات نورانی‌اش را نصب العین همه تشنگان معنویت، سلامت معنوی و شیفتگان خدمتِ خالصانه درعرصه‌های گوناگون کرد. سردار در اثر معنویت ناب اسلامی، مراقبت‌های باطنی و ظاهری از سلامت عقل و قلب، سلامت روح و جسم و درعین حال سلامت اجتماعی در عرصه‌های گوناگون برخوردار بود. بدین‌سان سردار الگوی سلامت معنوی برای همه اصناف و طبقات اجتماعی و نمونه‌ای از انسانِ سالم معنوی منظومه‌وار نه جزیره و دارای رشد متعادل و متوازن است. برونداد نوشتار حاضر که به روش توصیفی-تحلیلی نوشته شد در سه ساحت سلامت بینشی، گرایشی و کنشی و با ذکر نمونه‌هایی از زیست سردار سلیمانی تحقق یافت.

کلیدواژه‌ها: معنویت اسلامی، سلامت معنوی، الگوی سلامت، سردار سلیمانی، اُسوه و انسانِ سالمِ معنوی.

*نویسنده مسئول: **محمدجواد رودگر.** پست الکترونیک: dr.mjr345@yahoo.com
دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۸/۱۱ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۱۲/۱۱

[Downloaded from spiritual-health.ir on 2026-11-18]
[DOI: 10.30491/JSH.1.1.60]

مقدمه

یکی از انواع چهارگانه سلامت (جسمی، روانی، اجتماعی و سلامت معنوی)، سلامت معنوی است که دارای هویت وجودی و ماهیت خاصی در جغرافیای فرهنگ و تمدن اسلامی و منابع دینی است. سلامت معنوی از اهمیت و ضرورتِ منحصربه فردی برخوردار است، زیرا در قیاس با سلامت‌های یاد شده، نقش بنیادین و زیرساختی داشته و کارکردهای گوناگونی خواهد داشت. ناگفته نماند که سلامت معنوی در ساحات: ۱. بینشی، ۲. گرایشی و ۳. کنشی، می‌تواند به مثابه تکیه‌گاه و بنیاد سلامت جسمی، روانی و اجتماعی قرار گیرد که به‌همین دلیل تعریف آن و ارائه الگوی مناسب و تعیین کننده در این زمینه امری معقول و لازم است. بدین‌سان نوشتار حاضر بعد از ارائه تعریفی از معنویت اسلامی و سلامت معنوی در ساحات و سطوح مختلف، به معرفی سردار شهید سلیمانی به عنوان "الگوی سلامت معنوی" در سه ساحت یاد شده پرداخته و برای هرکدام از آن‌ها نمونه‌هایی را ذکر کرده است.

گرایش به معنویت، امری درونی و فطری است که درهمه انسان‌ها تعبیه شد، گرایشی عالی که هماره دراوج چالش‌های زندگی و تضاد زیستی تجلی یافته و حتی اگر انسان نسبت بدان گرفتار فراموشی یا غفلت شود، باز هم نیازبالفعل درونی اوست و در بهترین شرایط آسایش زندگی نیز درجستجوی آرامشی است که تنها از طریق معنویتِ فطری و متعالیه قابل حصول و وصول است و تجربه زیستی انسان در طول قرون متمادی بویژه درقرون اخیر بیانگر همین نکته نغز و نیازمحوری است که علی‌رغم وجود امکانات و ابزار آسایش، معنویت گمشده او و حلقه مفقوده زندگی اوست، لکن کدام معنویت با چه فهم و قرائتی؟ معنویتِ فیزیکال و سکولار یا معنویتِ روان‌شناختی و فراروان شناختی یا معنویت منهای خدا، یا معنویت وحی ستیز و عقل گریز یا معویتِ خنثی و انفعالی که همه آن‌ها معنویت تحویل گرایانه و تقلیل یافته و متدانیه است یا معنویتِ وحیانیِ عقل‌گرا و فعال و درعین حال آرامش‌زای پایدار و پویا که عدالت را در طول عقلانیت و در متن زندگی و سیاست جستجو کرده و متجلی می‌سازد؟

مفهوم‌شناسی

تبیین مفاهیم اصلی و کلیدی امری لازم و دارای کارکردهای تبیینی در دو زاویه ایجابی و سلبی مفید و موثری است که در عرفِ منطق و حکمت اسلامی به مبادی تصوری معروف هستند و تعریف دقیق و درست آن‌ها دربازدارندگی از انحراف و تحریف و درنتیجه کج اندیشی و کژروی نقش‌آفرین هستند، زیرا شناخت دقیق و همه جانبه مفاهیم مهمترین مانع مغالطات لفظی و معنوی در حوزه معرفت است، زیرا تلقی و تصور درست از مفاهیم می‌تواند جلوی انحراف از مسیر و تحریف محتوایی را بگیرد و به همین وزان است که اهل منطق و فلسفه گفته‌اند"تصدیق بلاتصور محال است".

تبیین مفهومی معنویت و سلامت معنوی با بینش و نگرش اسلامی از اهمیت، ضرورت و کارآمدی خاصی در تبیین ابعاد گوناگون سلامت معنوی و ارائه الگوهای متناظر به آن خواهد داشت.

معنویت اسلامی

معنویت اسلامی، معنویتی منبعث از بینش، گرایش و کنش توحیدی که از مختصاتی مثلِ اندیشه، انگیزه و انگیخته الهی برخوردار است. معنویتی که در فقه اکبر (اعتقادیات)، فقه اوسط (اخلاقیات) و فقه اصغر (احکامیات) ریشه داشته و دارای امتداد از توحیدِ الهی به توحیدِ اجتماعیِ متناظر به هم است. این معنویت ناب اسلامی، همان معنویت متعالیه اجتماعی است که تشکیک‌پذیر و ذومراتب بوده و از مولفه‌های زندگی‌گرایی، سیاست و فعالیت‌های اجتماعی، شریعت و ولایت محوری، جهادی–حماسی و انس و الفت با خدا، راز و نیاز با معبودِ محبوب و محبوبِ معبود برخوردار است، به تعبیر امام خامنه‌ای (سلمه‌الله تعالی): "امروز همه دنیا تشنه معنویتند و این معنویت در اسلام هست و در اسلامی که مکتب اهل بیت معرفی می‌شود، به‌نحو جامع و کامل وجود دارد، معنویتِ بدون انزوا، بدون جدایی از زندگی، معنویتِ همراه با سیاست و عرفان، همراه با فعالیت اجتماعی، تضرع و گریه پیش خدای متعال و همراه با جهاد. این، چیزهایی است که در مکتب اسلام وجود دارد، در تعلیمات و معارف شیعه متبلور و مجسم است و نمونه‌های زنده‌اش را ما دیده‌ایم، در تاریخ معاصر هم در ایران اسلامی این نمونه‌ها فراوان و فراوان دیده شد." یکی از نمونه‌های ناب و جامع‌الابعادی که ظرفیتِ اسوه شدن در سلوکِ معنوی قرین سیاست و عرفان، جهاد و فعالیت‌های اجتماعی قرار گیرد، معنویتِ متعالیهِ متجلی در سیره سردارِ دل‌ها، شهید سلیمانی است، سرداری که در مکتب امام خمینی (رضوان‌الله تعالی‌علیه) تربیت و در مکتب امام خامنه‌ای (سلمه‌الله تعالی) تکامل یافت و توانست به مصداق آیات: "أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ،تُؤْتِي أُكُلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا" (۱)، درعمق انقلاب اسلامی ریشه دوانید، رشد یافت و مکانتی یافت تا در هر مکانی به مرتبه ثمر بخشی رسید و طبق آیه: "وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَمَا كُنتُ" (۲) در هر زمانی مبارک شد. یعنی شخصیتی فرازمانی و فرازمینی و این بود که سردار سلیمانی بعد از ملی شدن و فراملی گشتن، بین‌المللی شد. به هر تقدیر کسی که شاکر و بلکه شکور باشد براساس آیه: "لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ" (۳) ازدیاد وجودی و فزایندگی می‌یابد. بنابراین "عبدِ شکور" است که به‌تدریج در پرتو خودشناسی و خودسازی و بندگی توام با شکر و شکیبایی از خودِ فردی و محدود برون آمده و به خودِ خانوادگی، خودِ خویشاوندی و قبیله‌ایی، سپس خودِ ملی، آنگاه خودِ فراملی و در فرجام کار به مرتبه خودِ بین‌المللی نائل شد.

معنویت موطنی دارد به نام "عالمِ باطن" یا "جهانِ غیب" که حیات حقیقی و معقول انسانِ بیدار و بینا را بوجود می‌آورند. معنویتی که خط سیرش از درون یا فطرت انسان به‌سوی مبدآ عالم و معادِ انسان و جهان کشیده شد. معنویتی که در اثرکلمه طیبه، اخلاق

[Downloaded from spiritual-health.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.30491/JSH.1.1.60]

طیبه، عمل طیبه با هدف نیل به حیات طیبه حادث و حاصل می‌شود و از اولین مرتبه تا آخرین مرتبه به نام حق، به یاری حق و برای حق در درون فقه اکبر (معارف حقیقیِ حِکمی و عقیدتی)، اوسط (معارف اخلاقیِ تربیتی و سلوکی) و اصغر (معارف حُکمیِ شرعی) رشد و تعالی می‌یابد و انسانِ معنوی را درحرکتِ جوهریِ اشتدادی تا حرکتِ حبی به عالی‌ترین مراحل تکاملی و راقی‌ترین مراتبِ قربِ وجودی به درگاه و آنگاه بارگاه ربوبی واصل می‌کند. معنویت اسلامی عبارت است از: «اعتقاد به خدا و عالم غیب، ارتباط با آن و عمل صالح بر اساس آن اعتقاد صائب و ارتباط صادق».

بنابراین معنویت متعالیه دارای هندسه معرفتی پویا و پایا در ساحات: ۱. بینشی، ۲. گرایشی، ۳. کنشی، ۴. منشی، ۵. روشی، و سطوح: ۱. غیب و باطن، ۲. توحیدِ وجودی–شهودی، ۳. ولایت الهیه و ۴. قرب و لقاءالله است.

معنویتی که در ساحتِ بینشی–نگرشی و منظر هستی شناختی مبتنی بر اعتقاد به عالمِ غیب و غیبِ عالم بوده و فصل مقومِ آن "ایمان به غیب"، در ساحتِ گرایشی–منشی و منظر انسان شناختی متقوم بر"اصلِ فطرت" با گرایش‌های عالی و ارتباط وجودی با خدا و درساحتِ کنشی–روشی و منظر دین شناختی متکی بر"شریعت حقه محمدی(ص)" است که درواقع معنویتِ مکتبی–مسلکی هست و نقشه راه جامعِ آن در قالبِ اصولِ"نبوت،امامت و ولایت" تعریف، تعیین و تنظیم شده و مکتب سلیمانی تجلیگاه معنویت متعالیه با ساحات (عرضی) و سطوح (طولی) است تا معنویتی الف) توحیدی، عبودی، ولایی؛ ب) شریعتی، اجتماعی، تمدنی؛ ج) زندگی‌ساز، آرامش‌زا و امنیت بخش؛ و د) ابتناء یافته براعتقادِ صائب، اخلاقِ صادق و عمل صالح تحقق یابد. معنویت یاد شده، مقاومتِ معیار را در دو ساحت درون و برون رقم زد و جهاد درونی و برونی را معنا کرده و چنان درمتن زندگی سردار سلیمانی متبلور ساخت که سردار را تبدیل به "اُسوه" و" اُلگو" کرده و سیر و سیره حیات نورانی را نصب‌العین همه تشنگان معنویت و شیفتگان خدمتِ خالصانه درعرصه‌های گوناگون کرد.

پس معنویتی که ریشه در باورهای الهی و باید و نبایدهای دینی داشته باشد و در عین حال در سحر و شبانگاهان، در صبح و شام ظهور یابد می‌تواند تمامی کنش و واکنش‌های انسان را تحت الشعاع خود قرار داده و تنظیم نموده و تجلی بخشد و این معنویت تداوم و تشکیک و تصعید یافته در زیست مومنانه سردار دل‌ها ظهور داشت و با چنین معنویتی نورانیت دل پیدا کرد و با نور خدا در عالم آفاق سیر و در عالم انفس صیر داشت. یکی از روحانیون محشور با سردار سلیمانی نقل می‌کرد: "حاج قاسم هرچه داشت ذخیره و سرمایه از دفاع مقدس به‌دست آورده بود. بارها این سخن را از حاج قاسم شنیدم که می‌گفت من شرق و غرب عالم را رفتم، همه نوع مبارزین را دیده‌ام، همه نوع مجاهدین را دیده‌ام، همه نوع صحنه‌های جنگ و جبهه‌ها را دیده‌ام، والله برتر، با فضیلت‌تر، با معنویت‌تر از دوران دفاع مقدس ندیده‌ام. این ارتباط معنوی با خدا در او به گونه‌ای بود که اولاً مقید به نماز شب بود؛ اهل تهجد بود. این تهجد حاج قاسم یادگاری از دفاع مقدس بود که تا آخر عمر ایشان ترک نشد. در نافله‌های شب و در نماز وتر، دعای ابوحمزه ثمالی را می‌خواند و اشک می‌ریخت" (۴).

سلامت معنوی

سلامتِ معنوی ترکیبی از سلامت + معنویت است. بنابراین ارائه تعریف منطقی (جامع و مانع) از آن متفرع بر تعریف "سلامت" و "معنویت" است.

الف) "سلامت و سلم" در ادبیات اسلامی یعنی سلامت از امراض و آفات ظاهری و باطنی.

ب) معنویت در منظومه معرفت اسلامی با فصلِ مقومِ "ایمان به غیب" در سه ساحت وجودی تعریف و تنظیم می شود:

۱. "بینشی" (اعتقاد به خدا، شریعت حقه و معاد)

۲. "گرایشی" (گرایش‌های عالی با انگیزه قرب به خدا و جهت‌گیری‌های توحیدی از طریق آراستگی به فضائل و پیراستگی از رذائل تا تخلق به اخلاق الهی و مظهریت جمال و جلال حق سبحانه)

۳. "کنشی" (زیست مومنانه در ارتباط با خدا، خود،خلق و خلقت در پرتو ارتباط با انسان کاملِ مکمل–پیامبر، امام و ولیٍّ خدا)

بنابراین در مجموع در تعریف سلامت معنوی می‌توان چنین بیان کرد: برخورداری انسان از حد طراز (تعادل روحی، اعتدال مزاج خَلقی و خُلقی)، از حیث بینشی (ادراکی و اندیشه ای)، گرایشی (جهت‌گیری و تمایلات) و کنشی (عمل و رفتار) که به همه ساحات عقلی، قلبی و قالبی مرتبط بوده و همه عرصه‌های فردی و اجتماعی را در بر می‌گیرد، و از جهتی می‌توان مدعی شد که سلامت معنوی و حیات طیبه انسانی پیوند وثیق و ارتباط وجودی دارند. خداوند در مورد حیات طیبه می‌فرماید: مَنْ عَمِلَ صَالِحاً مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۵) هر کس که فعل صالحی انجام دهد چه مرد و چه زن، درحالی‌که مؤمن است ما زندگی پاک و طیب به او خواهیم داد و پاداش آنان را بهتر از آنچه فعل انجام داده‌اند خواهیم داد.

اکنون با عطف توجه به ابحاث پیشین می‌توان گفت که سلامت معنوی، در تناظر با ساحات معنویت اسلامی، در ساحت‌های سه‌گانه:

– بینشی: سلامت از شک و شرکِ درنظام اعتقادی و باورها

– گرایشی: سلامت از شهوتِ شهرت، قدرت و ثروت در نظام اخلاقی و ارزش ها

– کنشی: سلامت از خبط و خطای کرداری در نظام عملی و رفتارها است.

بنابراین سلامت معنوی دارای:

۱. کلیدِ توحیدمداری در زیستِ معنادار و زندگی هدفدار

۲. کدِ اعتدال مزاجِ قوای ادراکی و تحریکی است تا سلامت در اندیشه، انگیزه و انگیخته با هدفِ صیرورت و تصعید به عالی‌ترین مراحل استکمال وجودی تحقق یابد. ناگفته نماند که سلامت

[Downloaded from spiritual-health.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.30491/JSH.1.1.60]

وجودی به‌صورت متوازن و متعادل (توازن و تعادل در همه استعدادهای انسانی و جنبه‌های جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی) است که در فرایند پویا و پایای نفسانی–عاطفی، عقلانی و اجتماعی رخ داده و برآیندهای شناختاری و کنشگرانه معقول، مشروع و معتدل برجای می‌گذارد.

۳. قاعده ارتباط دیالکتیکی مزاج عنصری با مزاج روحانی.

۴. روش صیانت از سلامت معنوی

الف) روش رفعی یا پیشگیرانه درپرتو بینش توحیدی، گرایش عبودی و کنش حبی درپرتو معرفت به خدا و اسماء و اوصاف الهی در پرتو تزکیه نفس، تذکیه عقل و تضحیه نفس.

ب) روش دفعی یا درمان‌گرانه در سایه توبه و ترمیم کاستی‌ها و ناراستی‌های اندیشه‌ای، انگیزه‌ای و انگیخته‌ای.

الگو

واژه «الگو» در محاورات فارسی و «اسوه» در متون دینی ما به کار برده می‌شود. الگو با واژه‌هایی مانند مدل، سرمشق، مقتدی، اُسوه، قُدوه، مثال، نمونه نیز افق معنایی دارند. اگرچه اسوه در منابع اسلامی دست‌کم به سه معنای مقتدا، پیروی کردن و اقتدا نمودن، و سنّت و روش آمده است، معادل فارسی آن، الگو و سرمشق است که البته از وسعت معنایی بیشتری برخوردار است و در علوم تربیتی، اجتماعی و غیره نیز کاربرد دارد؛ زیرا «اسوه» و «قدوه» عمدتا ناظر به الگوهای انسانی است و بیشتر در مورد تربیت و تقویت ابعاد اخلاقی، رفتاری و شناختی انسان به کار می‌رود. در حالی که واژه الگو، علاوه‌بر این‌ها، به معنی طرح، مدل، نمونه و غیره نیز آمده است که عمدتا در مسائل آموزشی و یادگیری کاربرد دارد. بنابراین شاید درمسئله بحث ما واژه «أُسْوَة» از جهات انسانی که در همه میادین معرفتی، معنویتی و رفتاری سرمشق بوده و بتوان بر اسلوب و سبک زندگی او، زندگی را تعریف، تنظیم و محقق ساخت بهتر باشد، زیرا أُسْوَة بر وزن (عُروه) در اصل، به معنی آن حالتی است که انسان به هنگام پیروی از دیگری به خود می‌گیرد، و به تعبیری دیگر، همان تأسّی‌کردن و اقتدا نمودن است. بنابراین، معنی مصدری دارد، نه معنی وصفی، و جمله «لَقَدْ كانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» مفهومش این است که برای شما در پیامبر (ص) تأسّی و پیروی خوبی است، می‌توانید با اقتدا کردن به او خطوط خود را اصلاح و در مسیر صراط مستقیم قرار گیرید (۶). در هر حال الگو، نمایشی خاص از یک واقعیت است، یعنی تصویری گویا، ساده و مختصر از واقعیت بوده و مسایل پیچیده را به‌صورت آسان و قابل درک ارائه می‌کند. (۷).

پیشینه

مقاله پیش روی با یک مقدمه و سپس مفهوم‌شناسی و بیان پیشینه موضوع و مسئله به‌صورت مجمل، توحید را روح حاکم بر سلامت معنوی دانسته و سپس سلامت معنوی را در سه ساحتِ بینشی، گرایشی و کنشی در متن تجربه زیسته سردار سلیمانی ردیابی و به ذکر نمونه‌هایی از آن‌ها در ابعاد فردی، خانوادگی و اجتماعی پرداخته است.

اگرچه در خصوص معنویت اسلامی و سلامت معنوی کتب و مقالاتی با رویکردهای مختلف تولید شده و ادبیات نسبتا خوب و مفیدی در اختیار علامندان این حوزه قرار گرفت که برخی از آن‌ها عبارتند از:

الف) نمونه کتب

۱. سلامت معنوی در دیدگاه اسلام، مجتبی مصباح یزدی؛ ۲. سلامت معنوی، چرایی و چگونگی، فریدون عزیزی؛ ۳. آرامش و سلامت معنوی در بحران‌ها، سیدحسین اسحاقی؛ ۴. سلامت معنوی و خلاقیت، عبدالرضا کردی؛ ۵) نقش مهارت‌های معنوی در افزایش سلامت عمومی، نیلوفر برومندزاده ۶) دانشنامه سلامت معنوی اسلامی به قلم استاد دکتر فریدون عزیزی و ...

ب) نمونه مقالات

مفهوم‌شناسی سلامت معنوی و گستره آن در نگرش دینی (۸)، سلامت معنوی و دیدگاه‌ها (۹)، رابطه بهزیستی معنوی با سلامت روان دانشجویان (۱۰)، تعریف مفهومی و عملیاتی‌سازی سلامت معنوی (۱۱)، شاخص‌های سلامت معنوی از منظر آموزه‌های وحیانی (۱۲)، مسئله جایگاه تعریف و دشواری‌های پایه‌ریزی مفهوم سلامت معنوی در جامعه ایرانی–اسلامی (۱۳) و ... لکن در موضوع سردار سلیمانی الگوی سلامت معنوی تاکنون مقاله یا کتابی به رشته نوشته نیامده است و شاید این اولین مقاله‌ای است که با عنوان یاد شده نگارش شده است.

توحید روح حاکم بر سلامت معنوی

از بحث‌های پیشین استنباط و اصطیاد می‌شود که سلامت معنوی، در ساحتِ بینشی از شک و شرکِ درنظام اعتقادی و باورها و در ساحت گرایشی از شهوتِ شهرت، قدرت و ثروت در نظام اخلاقی و ارزش‌ها و در ساحت کنشی از خبط و خطای کرداری در نظام عملی و رفتارها منزه است. بنابراین در واقع توحید اعتقادی، توحید اخلاقی، توحید عملی و اجتماعی روحِ سلامت معنوی است و انسان سالمِ معنوی، انسانی است که در اندیشه "خدا" "قُلِ اللّهُ ثُمّ ذَرْهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ" (۱۴) و در انگیزه "قیام لله" "قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لله" (۱۵) و در انگیخته "عمل صالح" "مَنْ عَمِلَ صَالِحاً مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَيَاةً طَيِّبَةً" (۱۶) را منظور کرده تا سلامت معنوی جامع الابعاد را در صراط مستقیم سلوک نماید و وحدت بر کثرت: "حتّی تکون أعمالی و أورادی کلّها ورداً واحداً" (۱۷) (تا اینکه کردار و گفتارم همه یک‌جهت و یک‌سو برای تو باشد) طبق این فقره از دعای کمیل بایسته است همه کثرت‌ها به وحدت بازگردد و همه وردها باید یک ورد گردد. به بیان دیگر همه ساحات و سطوح وجودی انسان و گفتار، رفتار، سخن و سکوت، کلام و کردار و ...، در تمامی اوضاع و احوال و مناسبات موضوعی و موضعی یک جهت‌شده و یک نقطه را هدف‌گیری نمایند و توحد بر تمامی شئون حاکمی یابد که آن در عمل صالح و فعل صادق در اوج اخلاص فعلی و بالاتر اخلاص

[Downloaded from spiritual-health.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.30491/JSH.1.1.60]

ذاتی متجلی است و این حقیقت زمانی به واقعیت تبدیل خواهد شد که تربیت معنوی حدوث و بقای سلامت معنوی را در ساحات گوناگونِ بینشی، گرایشی و کنشی تضمین کند. به تعبیر علامه جوادی آملی: "این خواسته و آرزوی انسان به بار نخواهد نشست، مگر اینکه، جایگاه خود را در عالم و نظام هستی پیداکرده و حکمت ارسال رُسل و فرستادگان الهی را دریابد. هرگاه انسان به این حقیقت پی برد که حکمت فرستادگان الهی چیست، جایگاه خود و ابدیتش را درک کرده و به آن نائل خواهد شد؛ چون تربیت در مکتب الهی، هم بقای انسان را تضمین می‌کند و هم بقای باسعادت را به او اعطا می‌نماید؛ زیرا تربیت در این مکتب، به انسان می‌فهماند که او، بسان درخت نیست که پس از مدت‌زمانی خشک‌شده و به هیزم تبدیل گردد و خاکستر شود" (۱۸). اکنون با توجه به ارتباط طولی بین ساحات سلامت معنوی (ساحات بینشی، گرایشی و کنشی) تبیین مسئله سلامت معنوی را در زیستِ مجاهدانهِ متشرعانه و تجربه زیسته سردار سلیمانی به شرح اجمالی ذیل طرح خواهیم کرد:

سلامت معنوی در ساحتِ بینشی

سردار سلیمانی از ابتدای زیست این جهانی از بصیرت درونی و روشن ضمیری خاصی در انتخاب جهان بینی و ایدئولوژی یا مکتب و فلسفه حیات برخوردار بود و شاکله خودساخته"قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلى شاكِلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدى سَبِيلًا" (۱۹) (ملکات وجودی در حوزه علم و عمل) را در طولِ شاکله خداساخته"فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللّهِ الَّتِي فَطَرَ النّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللّهِ" (۲۰) (فطرت) قرار داد تا وحدتِ افق بر هردو شاکله حاکم گردد و زندگی اش را متوجه حیات طیبه نماید (۲۱،۲۲) یعنی فطرت بسیط او به‌تدریج و با عنایات الهی در مسیری سوق داده شد که توحید و ولایت را تجربه عقلی و قلبی کند و در طول زندگی‌اش برهمان مدار الهی حرکت نماید. سردار در واقع آرام ارام "ورداً واحداً" را با "قیام‌الله" درهم آمیخت و در ساحت بینشی از معرفت اجمالی به خدا تا معرفت تفصیلی و از شناخت عقلی تا شناخت شهودیِ حق تعالی صیرورت یافت که برخی از شواهد و تجربیات زیسته متناظر به ساحت بینشی اش عبارتند از:

الف) "خداوندا عاشق دیدارتم، همان دیداری که موسی را ناتوان از ایستادن و نفس کشیدن نمود" (آخرین دست‌نوشته سردار شهید سلیمانی). در این گزاره بینشی اوجِ درک و درد دیدار با خدا یا محبوب سرمدی موج می‌زند که حکایت از سلامت معنوی در حوزه اعتقاد و ارتباط با خدا و توحیدشناسی و توحید شهودی اوست. این گونه بود که سردار با این شعر عشق می‌کرد و می‌گریست:

چو رسی به طور سینا ارنی مگو و بگذر
که نیرزد این تمنا به جواب لن ترانی
چو رسی به طور سینا ارنی بگو و مگذر
تو صدای دوست بشنو نه جواب لن ترانی
ارنی بگوید آن‌کس که تو را ندیده باشد
تو که با منی همیشه چه جواب لم ترانی (۲۳).

یا به این گزاره‌های گدازنده توجه کرده و دل دهیم که نوشته‌اند:

ب) "خداوندا! سر من، عقل من، لب من، گوش من، قلب من، همه اعضا و جوارحم در همین امید به سر می‌برند؛ یا ارحم الراحمین! مرا بپذیر؛ پاکیزه بپذیر؛ آن‌چنان بپذیر که شایسته دیدارت شوم. جز دیدار تو را نمی‌خواهم، بهشت من جوار توست، یا الله!"

ج) "عزیز من! جسم من در حال علیل شدن است. چگونه ممکن [است] کسی که چهل سال بر درت ایستاده است را نپذیری؟ خالق من، محبوب من، عشق من که پیوسته از تو خواستم سراسر وجودم را مملو از عشق به خودت کنی؛ مرا در فراق خود بسوزان و بمیران" (۲۴).

اکنون به این دو فراز از وصیت نامه‌اش دقت کنیم تا سلامت بینشی را با سلامت گرایشی و انگاه سلامت کنشی یکجا تفسیر کنیم: ۱. "بهشت من جوار توست"؛ ۲. "مرا در فراق خود بسوزان و بمیران" که جریان آسیه همسر فرعون نمونه روشنی از فراز اول یاد شده است. که خدای سبحان در مورد آن می‌فرمایند: "وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ ءَامَنُواْ امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِندَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَ نجّنِي مِن فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِهِ وَ نجّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِين" (۲۵) و تقاضای "رَبِّ ابْنِ لِي عِندَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ" و در شرح فراز دوم نیز و اینکه توحید وجودی–شهودی را سردار با تمام وجودش حس و تجربه کرد (۲۶) و به تعبیر خواجه عبدالله انصاری: «توحید عام یعنی چیزی مثل او نیست اما توحید خاص آن است که کسی غیر او نیست ... توحید مَهین آن است که جز یک نبود، معروف بود، عارف نبود، مقصود بود، قاصد نبود».

د) معبود من، عشق من و معشوق من، دوستت دارم. بارها تو را دیدم و حس کردم، نمی‌توانم از تو جدا بمانم. بس است، بس. مرا بپذیر، اما آن‌چنان که شایسته تو باشم" (۲۶).

ه) سردار دربخشی از نامه به دخترش فاطمه درباره فلسفه حیات، جهاد و آرزوی شهادت در دفاع از مظلومان و اطفال وحشت زده عالم: "عزیزم از خدا خواستم همه شریان‌های وجودم را و همه مویرگ‌هایم را مملو از عشق به خودش کند. وجودم را لبریز از عشق خودش کند" (۲۶).

آری سلامت معنوی سردار را می‌توان در حوزه عدل اهلی و اجتماعی، نبوت و امامت تا امتداد امامت در ولایت فقیه و باورهای یقینی‌اش به معاد و عوالم قیامت نیز توسعه داده و شواهدی بر هرکدام از آن‌ها ذکر کرد که نمونه‌هایی از آن‌ها در وصیت نامه و نامه‌های او به فرزندان و دوستانش مندرج است.

سلامت معنوی در ساحتِ گرایشی

خاستگاهِ گرایش‌های وجودی سردار سلیمانی نیز فطرت الهی او بود که آن گرایش‌ها را با بینش‌های توحیدی‌اش توسعه و تعمیق بخشید و سطحِ گرایش‌ها را عالی کرده و این گرایش‌ها را در روابط چهارگانه خود با خدا، خود باخود، خود با خلق و خود با خلقت در پرتو خود با انسان کاملِ معصوم (ع) تبیین و تنظیم کرده و هندسه معرفتی–رفتاری خاصی که ظهور همان"حتّی تکون أعمالی و

[Downloaded from spiritual-health.ir on 2026-11-18]
[DOI: 10.30491/JSH.1.1.60]

أورادی کلّها ورداً واحداً" (دعای کمیل) است در زندگی خویش پیاده ساخت و اکنون به نمونه‌هایی از هرکدام اشاره می‌کنیم (۲۶):

رابطه با خدا: رابطه انسان با خدا، از موقعیت کانونی برخوردار بوده و مرکز همه ارتباطات عقلانی-معنوی و شهودی است. زیرا ارتباط معرفتی و معنویتی با خدا، هم به هویت‌شناسی و هم رابطه‌شناسی انسان با خودش منتهی می‌شود، درعین حال به خلقت‌شناسی و مناسبات تعاملی انسان با خلقت بویژه عالمِ دنیا که محل زندگی اوست و هم به شناخت عموم انسان‌ها و روابط انسانی با همنوعان می‌انجامد و روابط را در مسیر درست هدایت می‌کند. ارتباط عمیق شناختی انسان با خدا باعث می‌شود که انسان همواره خود را در محضر خدا دیده، به غیر خدا تکیه نکند. یکی از بارزترین مصداق رابطه خود با خدا در نماز و نیایش تبلور دارد که درخصوص نماز و نماز شب او گفته‌اند: "حاج قاسم از روزی که با خدا و انقلاب و جبهه آشنا شد نماز شب او ترک نشد تا هنگامی که از دنیا رفت حتی در هر وضعیت و جایی که بود. من برخی سفر ها با حاج قاسم همراه بودم ساعت ۲ و ۳ شب که می رسیدیم من خودم می‌خوابیدم و نماز صبح بیدار می‌شدم ولی خدا رحمت کند آقای صفری که همراه بود می‌گفت: حاج قاسم که شب نخوابید همه‌اش عبادت کرد و معلوم نیست چطوری فردا به امورش می‌رسد. ولی خسته نمی‌شد با اینکه نمی‌خوابید، خداوند قدرتی در حاج قاسم قرار داده بود که حتی ۳ شبانه روز هم عملیات بود نمی‌خوابید باز روز بعدی که کاری بود می‌دوید. حاج قاسم نماز شبش خم و راست شدن نبود، توام با راز و نیاز و مناجات بود و می‌دیدم من دعای ابوحمزه را می‌خواند و ضجه میزد در نماز شبش در سجده یا قنوت" (۲۷) و گفته اند: "در نماز شب، دعای ابوحمزه ثمالی را می‌خواند و اهل منزل، حوالی صبح با صدای گریه او برای نماز بیدار می‌شدند" (۴)، و درتوصیه به برادرزاده اش نوشت: "تمام کسانی‌که به کمالی رسیدند خصوصا کمالات معنوی که خود منشأ و پایه دنیوی هم می‌تواند باشد، منشأ همه آن‌ها سحر است. سحر را دریاب نماز شب در سن شما تأثیری شگرف دارد اگر چندبار آن‌را با رغبت تجربه کردی، لذت آن موجب می‌شود به آن تمسک یابی" (۲۸).

رابطه با خود: رابطه انسان با خود یکی از بنیادی‌ترین رابطه‌ها بعد از رابطه با خداست، بدین معنا که انسان به ارزش‌ها و مقامات وجودی خویش آگاهی و گواهی یابد که خلیفه خدا (۲۹)، امانتدار خدا (۳۰) و تجلیگاه خداست (۳۱) و فهم و فعل خویش را براساس "باید و نبایدها"ی معطوف به آن "هست‌ها" قرار داده و زندگی‌اش را برآن حقایق تعریف و تنظیم نموده و تحققق بخشد. سردار درعین حال که به معنویت و شکوفایی استعدهای فطری و روحی‌اش اهمیت می‌داد و حقوق معنوی را ضایع نمی‌کرد، به حقوق جسمانی نیز توجه داشت و این توجه را در نگاه توأم با نیازهای روحی و جسمی می‌دید و هرکدام را درجای خود مورد توجه قرار می‌داد، به قول یکی از دوستانش: "حاج قاسم اخلاق‌های ویژه و منحصربه فردی داشت؛ او همیشه اهل ورزش بود، شاید برای جوانان جالب باشد که بدانند حاج قاسم در اوج جوانی زیبایی اندام کار می‌کرد. همیشه لباس‌های شیک می‌پوشید، اما دلبسته آن‌ها نبود که مبادا کثیف نشود حتی اگر لازم بود با همان لباس به صحنه جنگ می‌رفت. همیشه کم غذا می‌خورد، بیشتر وقت خود را صرف حل مشکلات می‌کرد، کم می‌خوابید و عقیده داشت فرصت برای خوابیدن زیاد است" (۳۲). همانگونه که گفته‌اند: "همیشه حاج قاسم همراه خود کتاب داشت و زمانی‌که از ایران به سمت سوریه حرکت می‌کردیم در حال مطالعه بود. در سفرها کتاب از دست ایشان جدا نمی‌شد مگر اینکه راجع به موضوع مهمی می‌خواست صحبت کند. به‌خاطر دارم یک روز زمانی‌که عازم سوریه بودیم ایشان غرق در مطالعه بود که پس از نیم ساعت کتاب را بست و من که دو تا صندلی عقب‌تر بودم را صدا کرد و گرم صحبت شدیم. زمانی‌که به مقصد رسیدیم لبخندی زد و گفت: حاج مرتضی امروز یک کتاب به من ضرر زدی. خندیدم و گفتم: خودتون مرا صدا زدید، اما باز حاج قاسم لبخند می‌زد و می‌گفت: نه خودت را توجیه نکن امروز به من یک کتاب ضرر زدی" (۳۲).

رابطه با خلقِ خدا (جامعه): انسان به‌طور طبعی و طبیعی موجودی اجتماعی است و ارتباط با دیگران شامل ارتباط با خانواده، خویشاوندان، دوستان، همسایگان، آموزگاران، همکاران، شهروندان، مؤمنان، مسلمانان، بیگانگان و غیره از جمله عرصه‌های ارتباطی با خلق است که هر یک دارای آداب، مناسبات و هنجارهای رفتاری خاصی است. تواضع و فروتنی، ایثار و فداکاری، محبّت و حسن خلق، همدردی و همدلی و مانند آن، را می‌توان به عنوان اساسی‌ترین اصول روابط اجتماعی در جامعه دینی نام می‌برد. یکی از آشنایان نزدیک سردار سلیمانی گفته‌اند: "اگر از فضای معنوی هم گذر کنیم به ارتباط با انسان‌ها می‌رسیم که یکی از آن‌ها ارتباط با والدین است، و صله‌رحم، رفقا و مردم؛ که مردم خانواده شهدا، رزمندگان، و ایثارگران هستند و در تمام این‌ها حاج قاسم سرآمد و الگو بود. همه پدر و مادرخود را دوست دارند ولی نوع احترام و تواضع حاج قاسم نوعی دیگری بود، ارتباط تلفنی همیشگی، ارتباط حضوری هم هر جایی که بود سعی می‌کرد سری به والدین و خانواده خود بزند و تواضع داشت. شهید پورجعفری تعریف می‌کرد که حاج قاسم بالاسر مادر بود و نگاه معنادار و شرمانه‌ای به من کرد و حاج قاسم از من خواست برم بیرون و من هم اطاعت کردم ولی دلم آروم نگرفت و از پنجره نگاه می‌کردم ببینم چه می‌گذره دیدم حاج قاسم رفت پایین پای مادرش و کف پای مادرشو شروع کرد بوسیدن و کف پای مادرشو می‌مالید به چشم‌ها و صورتش و هِی گریه می‌کرد. اگر حاج قاسم عزت پیدا کرد در مقابل این معنویات بود. ذلت در مقابل پدر و مادر همین خضوع سردار را دربرابر شهداء، خاندان شهداء و جانبازان و خانواده هایشان مطرح کرد (۲۷). یکی از سرداران درخصوص عنایت سردار به مردم و جایگاه سرنوشت سازشان در ساحت تعالی وجودی گفته‌اند: "ایشان واقعاً خودش را محتاج نظر مردم می‌دانست. از همون منظر که مردم عیال‌الله

[Downloaded from spiritual-health.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.30491/JSH.1.1.60]

هستند و خدا از منظر مردم به شما توجه می‌کند، برخی می‌گویند کاری کن بدون واسطه به خدا متصل بشویم. ایشان به این مسئله معتقد نبود، می‌گفت مخلوق خدا برای خدا ارزش است. ایشان رزمندگانی که حاضر بودن جانشان را برای اسلام فدا کنند جمع می‌کرد و از ایشان می‌پرسید آیا بنده آدم خوبی هستم. از ایشان می‌خواست بله بگیرد. قاسم سلیمانی مجاهد فی سبیل‌الله است ولی اصلاً در ذهنش نبود که خودش چیزی است و چیزی دارد. فقط می‌گفت مردم شهادت بدید تا بنده بشنوم آیا بنده آدم خوبی هستم؟ چقدر اعتقاد می‌خواهد. بعد کفنش را ببرد پیش افرادی بگوید روش بنویس که قاسم سلیمانی آدم خوبی است ... اینجا اعتقادش این است که اگر مردم راضی بودند خدا هم راضی است یعنی رضایت خدا در گروِ رضایت خلق خدا است (۳۳).

درمجموع سردار سلیمانی درهمه ابعاد خود را وقف خدمت به مردم کرد، ازخدمات امنیتی تا عمران و آبادانی و گره‌گشایی از مشکلات اقتصادی و این خدمت‌رسانی‌ها برای او از اهمیت و موضوعیت ویژه‌ای برخوردار بود و با بینش و زاویه نگرش دینی به آن‌ها توجه داشت. حاج قاسم عزیز، مردم را با تمام وجود دوست داشت، او با مردم و درمیان مردم بود، مثل یکی از آن‌ها و این سنخ رابطه با مردم، رابطه عملی و عبرت‌آموز است. در اینجا به خاطره‌ای دلنشین و متناظر به همین مسئله توجه کنیم: "محمد ترکمن فوق تخصص اطفال در خاطره‌ای از شهید سلیمانی می‌گوید: نوه‌های دوقلوی سردار حاج قاسم سلیمانی در بیمارستانی به دنیا آمدند که من در آن پزشک اطفال بودم. این نوزادان زودتر از موعد به دنیا آمدند. به همین خاطر نارس بودند و وزن بسیار کمی داشتند. به دلیل شرایط خاصی که آن‌ها داشتند باید مدت کوتاهی در بخش ایزوله بیمارستان بستری می‌شدند، اما در آن روز، ما اتاق ایزوله خالی نداشتیم. من یکی از نوزادان بستری در بخش ایزوله که شرایطش بحرانی نبود را شناسایی کردم و رفتم آرام به مادرش گفتم: نوه‌های حاج قاسم سلیمانی در بیمارستان ما هستند و نیاز به اتاق ایزوله دارند، اما اتاق خالی برای بستری کردنشان نداریم. وضعیت فرزند شما هم رو به بهبود است. اگر موافق باشید شما به بخش بروید تا ما بچه‌ها را در این اتاق بستری کنیم. آن مادر تا اسم حاج قاسم را شنید، از جا پرید و گفت: چرا که نه! ایشان جانش را وقف آرامش و امنیت ما کرده که با هیچ چیز جبران نمی‌شود. این کمترین کاری است که من می‌توانم بکنم. او با آن حالی که داشت، خودش را به راهروی اصلی بیمارستان رساند که حاج قاسم را ببیند. بعد از این که اتاق را خالی کردیم، به حاج قاسم گفتم: الان دوقلوهای شما را بستری می‌کنیم. وقتی ایشان متوجه نحوه خالی کردن اتاق شد، به من اعتراض کرد که: چرا این کار را کردید؟ یک نوزاد بیمار را از اتاق ایزوله بیرون آوردید که نوه‌های من بستری شوند؟ لطف کنید او را به اتاق ایزوله برگردانید. هیچ فرقی بین بچه‌های من و بچه‌های دیگران نیست. ما مثل بقیه مردم صبر می‌کنیم تا اتاق خالی شود. به ایشان گفتم: سردار! ما از مادر آن بچه اجازه گرفتیم. بنده خدا تا شنید قرار است نوه‌های شما را بستری کنند، خودش با اصرار اتاق ایزوله را خالی کرد. اما حاج قاسم گفت: نه آقای دکتر! کاری که گفتم را انجام دهید و بچه را به اتاق برگردانید. این اتفاق افتاد و آن نوزاد دوباره به اتاق برگردانده شد.

خانواده حاج قاسم سلیمانی مثل تمام مردم سه ساعت در بیمارستان منتظر ماندند تا اتاق ایزوله خالی شد. طی چند روزی که آن نوه‌های دوقلو، تازه به دنیا آمده بودند حاج قاسم در بیمارستان بود، ایشان با رفتاری که از خود نشان می‌داد، برای ما کلاس درس مرام و معرفت گذاشته بود. روز دوم بود که حاج قاسم برای ملاقات فرزندش و دیدن دوقلوها به بیمارستان آمد. من زیاد از مسائل امنیتی سر در نمی‌آورم و نمی‌دانم مقدمات حضور ایشان در مکان‌های عمومی چطور فراهم می‌شد، اما آن روز ایشان ساده و بی‌تکلف از همان جلوی در وارد بخش شدند. دیدن حاج قاسم برای پرستارها، غیرمترقبه و جالب بود. آن‌ها با این که خوشحال بودند، ولی روی جلو رفتن نداشتند. تا این که با سلام و احوالپرسی ساده و خسته نباشید صمیمی حاج قاسم، یخ پرستارها آب شد و در چشم بر هم زدنی، تمام پرستاران بخش دور ایشان جمع شدند. قرار شد عکس یادگاری بگیریم. تمام پرستاران بخش اطراف حاج قاسم حلقه زده و آماده عکس گرفتن بودند که ایشان یکی از نیروهای خدماتی که در انتهای سالن در حال تی کشیدن بود را صدا کرد و گفت: شما هم بیا در عکس ما باش. او با ذوق و خوشحالی خودش را رساند و عکسی به یادگار برداشته شد" (۳۲).

رابطه با انسان کامل (پیامبر و عترت پاکش): رابطه عمیق و دقیق با انسان کاملِ مکمل نیاز به محبت مبتنی بر معرفت به آن ذوات قدسی دارد تا عامل اطاعت و آنگاه سنخیت با آنان شود و انسان متکامل هرچه بهتر و بیشتر تخلق به اخلاق آنان و تشبه به شاکله و شخصیتشان یابد. به تعبیر علامه جوادی آملی: «غایت حرکت حبّی خداوند، همانا پیدایش انسان کاملی است که حبیب اوست و رسالت حبیب خدا ترسیم هندسهٔ محبت است» (۱۸). سردار با عرفان به مقامات انسان کامل رابطه عاطفی ممزوج به رابطه عقلی و سپس رابطه وجودی برقرار می شود و عاطف، عقل و عشق با هم و درهم تنیده شده و سالکِ کوی کمال را به مقصد می‌رسانند و در این زمینه جالب است بدانیم که یکی از آشنایان نزدیک سردار سلیمانی در زمینه دلدادگی‌اش به روضه گفته‌اند: "بُعد دیگر حاج قاسم روضه بود، حاج قاسم با روضه خیلی انس داشت، به هر بهانه‌ای می‌خواست برای امام‌حسین(ع) و حضرت فاطمه اشکی بریزد. خدا رحمتشان کند در روز های آخر که متعدد به عراق می‌رفت و میزبانش شهید ابومهندس بود، حاج قاسم دید که یه محفل و مکانی هست که خالی است، از ابومهندس دلیل این مکان خالی را پرسید گفتند برای محافل و جلسه‌ها با مهمانان هست. حاج قاسم از شهید ابومهندس خواست که این ۳ روزی که ایشان اینجا هستند روضه برگزار باشد و یک روضه‌خوان دعوت

[Downloaded from spiritual-health.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.30491/JSH.1.1.60]

شود ؛ ابومهندس هم با دعوت یک روضه خوان عرب زبان هرشب خواسته حاج قاسم را عملی می‌کرد و حتی خود من هم که روضه‌خوانی داشتم می‌دیدم که محزون‌ترین فرد حاج قاسم هست و چهره او محزون‌ترین و اولین نفر اشکش جاری بود" (۲۷).

سلامت معنوی در ساحتِ کنشی

سردار سلیمانی چون انسانی مکتبی و مسلکی بود و فلسفه زیستن را بر پایه جهان‌بینی و بینش‌ها و ایدئولوژی و گرایش‌های هدفدار تنظیم می‌کرد در نتیجه تمامی کردار و مناسبات عملی و رفتاری و کنشگری‌هایش رنگ و رایحه بینش‌ها و گرایش‌های متعالیه داشت و انسانی بود که در کنش‌های خویش از مختصاتی مانند: معقول، متعادل، متوازن، تقوای فردی و اجتماعی، تعبد و تشرع در عین حال جهادی و انقلابی همراه با شجاعت و بصیرت برخوردار بود و بدین جهت هرگز گرفتار گرداب افراط و تفریط نشد و در صراط مستقیم سلوکِ اجتماعی داشت. سلوکی که در زیست خانوادگی و آنگاه سیاسی و اجتماعی و حتی امنیتی و نظامی‌اش تبلور داشت و همگان از دوستان و حتی دشمنانش را به تحسین واداشت. نامه او به همسرش که از ادای حق صبر چهل ساله‌اش و حلالیت از وی سخن به میان آورد (۳۳)، نامه‌های او به فرزندانش که در یکی از این نامه‌ها نوشته‌اند: "عزیزم از خدا خواستم همه شریان‌های وجودم را و همه مویرگ‌هایم را مملو از عشق به خودش کند. وجودم را لبریز از عشق خودش کند ... عزیزم من متعلق به آن سپاهی هستم که نمی‌خوابد و نباید بخوابد. تا دیگران در آرامش بخوابند. بگذار آرامش من فدای آرامش آنان بشود و بخوابند ... (۳۴)، نامه‌ای که برای یک داعشی نوشت، سبک گفتگوهایی که با فرماندهان در جبهه مقاومت و سربازانش داشت، دیالوگ‌های سیاسی و سخنرانی‌های رسمی و غیررسمی که در محافل عمومی و خصوصی انجام داد همه و همه بیانگر مختصاتی بود که ذکر شد و همه آن مختصات را ذیل ولایت و التزام عملی به آن تعریف و تنظیم کرد.کنشگری‌های دینی و معنوی در نماز اول وقت، زیارت عاشورا، دعای کمیل تا مدل فرماندهی و اسلوب مبارزه با استکبار و صهیونیسم و اذنابش همه حکایت از سلامت معنوی در ساحت کنشی و هندسه معرفتی–سلوکی زیست مبتنی بر اصول و ارزش‌ها می‌کرد. در اینجا سه گزاره شریعت‌گرایانه در کنشگری‌های سردار را نقل می‌کنیم:

گزاره اول ناظر به شریعت به معنای خاص (حق‌الناس):

"از همه طلب عفو دارم، از همسایگانم و دوستانم و همکارانم طلب بخشش و عفو دارم. از رزمندگان لشکر ثارالله و نیروی با عظمت قدس که خار چشم دشمن و سدّ راه او است، طلب بخشش و عفو دارم؛ خصوصاً از کسانی که برادرانه به من کمک کردند" (۲۶).

گزاره دوم ناظر به حق‌الناس و حلالیت طلبی از یک داعشی (نامه سردار سلیمانی به صاحب منزلی در سوریه که ایشان در خلال عملیات آزادسازی البوکمال، از آن منزل به عنوان مقر استفاده کردند):

"بنده شیعه هستم و شما اهل سنت. البته بنده نیز به نحوی سنی هستم چون ما به سنت رسول‌الله (ص) معتقدیم و انشاءالله در تلاشیم گام در مسیر ایشان بگذاریم. و شما نیز به نحوی شیعه هستید چون اهل‌بیت علیهم‌السلام را دوست دارید. بنده از کتاب قرآن و صحیح بخاری و کتاب‌های دیگری که در خانه شما بود متوجه شدم شما متدین هستید. اولا عذر می‌خواهم و امیدوارم ما را ببخشید که بدون اجازه از خانه‌تان استفاده کردیم. ثانیا اگر خانه‌تان خسارتی دیده است حاضریم خسارتش را بدهیم. از سوی خودمان و شما با قرآن کریم استخاره کردیم و جواب استخاره آیات مبارک سوره فرقان در صفحات ۳۶۱ و ۳۶۲ بود. امیدوارم این آیات را بخوانید و درباره آن‌ها بیاندیشید همان‌گونه که ما اندیشیدیم. بنده در خانه شما نماز خواندم و دو رکعت نیز به نیت شما خواندم و برای عاقبت‌به‌خیریتان دعا کردم" (۲۶).

گزاره سوم ناظر به ولایت گرایی:

"بزرگترین ارمغانی که امام‌خمینی (رض) به این ملت هدیه کرد که بعضی ها حماقت می‌کنند و نمی‌دانند چه می‌گویند، ولایت فقیه است ... مردم از من قبول کنید، من عضو هیچ حزب و جناحی نیستم و به هیچ طرفی جز کسی که خدمت می‌کند به اسلام و انقلاب تمایل ندارم. اما این را بدانید؛ والله! علمای شیعه را تماما و از نزدیک می شناسم ... والله! اشهدبالله! سرآمد همه این روحانیت، این علما از مراجع ایران و مراجع غیرایران، این مرد بزرگ تاریخ یعنی آیت‌الله العظمی خامنه‌ای است" (۲۶). در وصیت‌نامه‌اش نوشت: "برادران و خواهران عزیز ایرانی من، مردم پر افتخار و سربلند که جان من و امثال من، هزاران بار فدای شما باد، کما اینکه شما صدها هزار جان را فدای اسلام و ایران کردید؛ از اصول مراقبت کنید. اصول یعنی ولیّ فقیه، خصوصاً این حکیم، مظلوم، وارسته در دین، فقه، عرفان، معرفت؛ خامنه‌ای عزیز را عزیزِ جان خود بدانید. حرمت او را حرمتِ مقدسات بدانید" (۲۶).

نتیجه‌گیری

سردار سلیمانی نمونه‌ای بارز از سلامت معنوی در همه ساحت-های بینشی، گرایشی و کنشی آن هم در تمامی سطوح و لایه‌ها و در عین حال عرصه‌های گوناگون زندگی است. او سلامت معنوی را در متن زندگی و درون تضادها و چالش‌های متکثر حیات طبیعی تجربه کرده و به سوی حیات طیبه سوق داد. سردار از سلامت اعتقادی، روانی، اجتماعی و معنوی برخوردار بود تا توانست امنیت پایدار را به جوامع اسلامی و از جمله جامعه اسلامی ایران هدیه نماید. او سلامت معنوی را در ارتباطات چهارگانه و در ذیل ارتباط با انسان کاملِ معصوم (ع) معنادار کرده و گفتمان مسلط بر سلامت معنوی‌اش عبودیت مبتنی بر شریعت حقه و امامت و ولایت بود. سلامت معنوی سردار، معطوف به جهاد و مبارزه تمام عیار فرهنگی، سیاسی و اجتماعی و درعین حال جهاد نظامی بود.

تضاد منافع: نویسنده تصریح می‌کند که هیچ‌گونه تضاد منافعی در مطالعه حاضر وجود ندارد.

[Downloaded from spiritual-health.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.30491/JSH.1.1.60]

منابع

1. The Holy Quran. Surah Ibrahim. Verse 24.
2. The Holy Quran. Surah Maryam. Verse 31.
3. The Holy Quran. Surah Ibrahim. Verse 7.
4. The Supreme Cultural Adviser of the Quds Force stated the story of Martyr Soleimani's friends' advice to him before his trip to Iraq. Availabe from: http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/1998593
5. The Holy Quran. Surah Nahl. Verse 97.
6. Makarem Shirazi N. Tafsir Nemooneh. Tehran: Dare Elektb al-Islamiyya Publication; 1995:260-283.
7. Tabibi SJ, Maleki MR, Delgoshaei B. Writing successful: theses, dissertations, research projects and scientific articles. Tehran: Ferdos Publication; 2016.
8. Abolghasemi MJ. Semantics of spiritual health and its religious scope. Medical Ethics. 2012;6(20):45-68.
9. Esfahani SM. Spiritual health and attitudes. Medical Ethics. 2011;4(14):41-9.
10. Safayi Rad I, Karimi L, Shomoossi N, Ahmadi Tahour M. The relationship between spiritual well-being and mental health of university students. Journal of Sabzevar University of Medical Sciences. 2011;17(4):274-80.
11. Abbasi M, Azizi F, Shamsi Gooshki E, Naserirad M, Akbari Lakeh M. Conceptual definition and operationalization of spiritual health: a methodological study. Medical Ethics. 2012;6(20):11-44.
12. Marzband R, Zakavi AA. Indicators of spiritual health based on quran perspective. Medical Ethics. 2012;6(20):69-99.
13. Marandi SA, Azizi F. Question of position, definition and difficulties of establishing the concept of spiritual health in the iranian-islamic society. Medical Ethics. 2011;4(14):11-21.
14. The Holy Quran. Surah Al-An'am. Verse 91.
15. The Holy Quran. Surah Saba. Verse 46.
16. The Holy Quran. Surah An-Nahl. Verse 97.
17. Qummi A. Mafatih al-Jinan. Qom: Shahab publication; 2005.
18. Javadi Amoli A. Human being in Quran inward and outward. Qom: Asra Publications; 2000.
19. The Holy Quran. Surah Al-Isra. Verse 84.
20. The Holy Quran. Surah Ar-Rum. Verse 30.
21. Javadi Amoli A. Tasnim: commentary of the noble Quran. Qom: Asra Publication, 2010.
22. Soleimani Q. I was not afraid of anything. Hajj Qassem School publication; 2021.
23. Hajj Qassem Soleimani, speech in congress of 8 thousand martyrs Gilan. Available from: yun.ir/uzwkbf
24. The will and testament of Hajj Qassem Soleimani. Available from: yun.ir/ycb0mc
25. The Holy Quran. Surah At-Tahrim. Verse 11.
26. Rudgar MJ. Social spirituality in Soleimani school. Tehran: Cultural institute of contemporary knowledge and thought; 2021.
27. Cultural indicators in the Shahid Soleimani school. Available from: yun.ir/7gxpb7
28. Hajj Qassem's advice to his nephew. Available from: Site: neshanonline; News ID: 12150.
29. The Holy Quran. Surah Al Baqarah. Verse 30.
30. The Holy Quran. Surah Al-Ahzab. Verse 72.
31. The Holy Quran. Surah Fussilat. Verse 53.
32. Shirazi Ali. Shahid Soleimani school. Khate moqadam Publication; 2020.
33. Human aspects of Shahid Soleimani school from the perspective of Dr. Sadollah Zarei. The site of association of Iranian cultural pathfinders; 2022.
33. Hajj Qassem's love letter to his wife on the last day of women. Available from: https://www.bayanema.ir/news/93931
34. Letter of Sardar Shahid Soleimani to his son. Site: https://donya-e-eqtesad.com/, News ID: 37393 56; 2021.

[Downloaded from spiritual-health.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.30491/JSH.1.1.60]